

خارج الفقہ

۲۳-۷-۱۴۰۱ فقه اکبر ۲

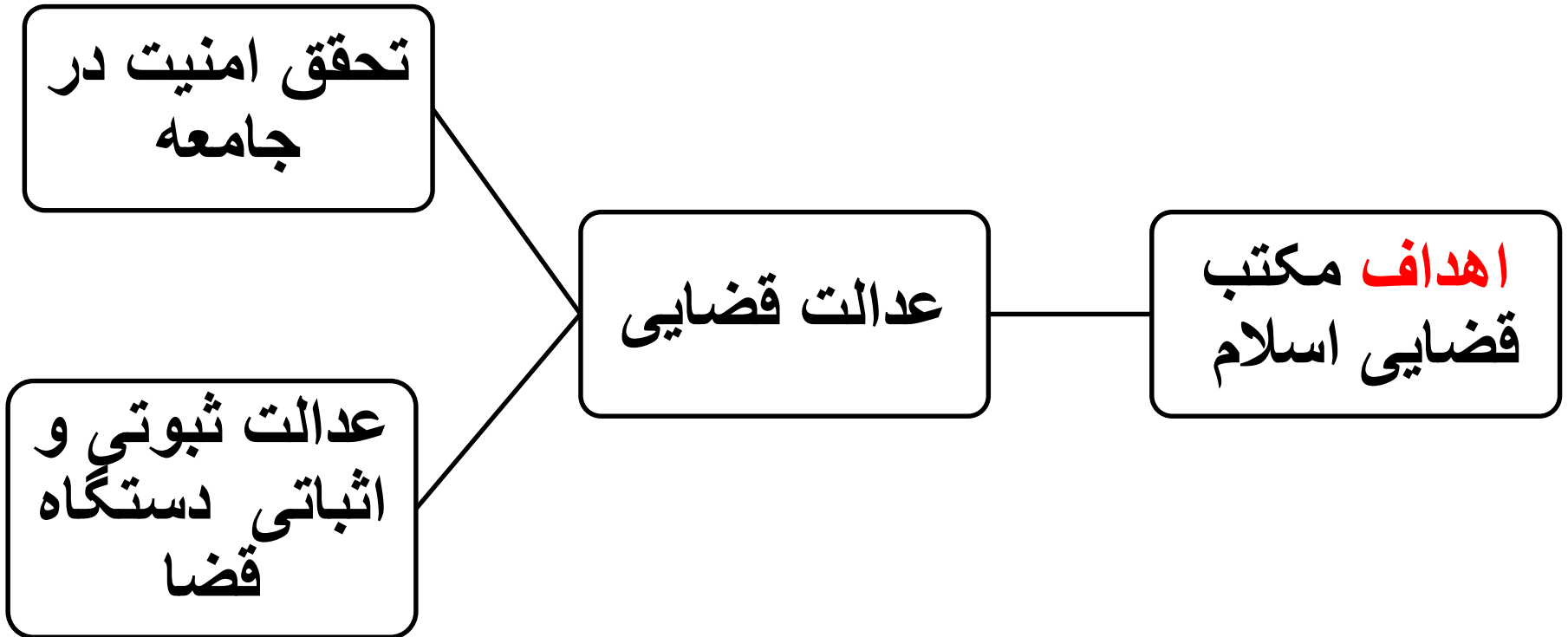
۸

(مکتب و نظام قضایی اسلام)

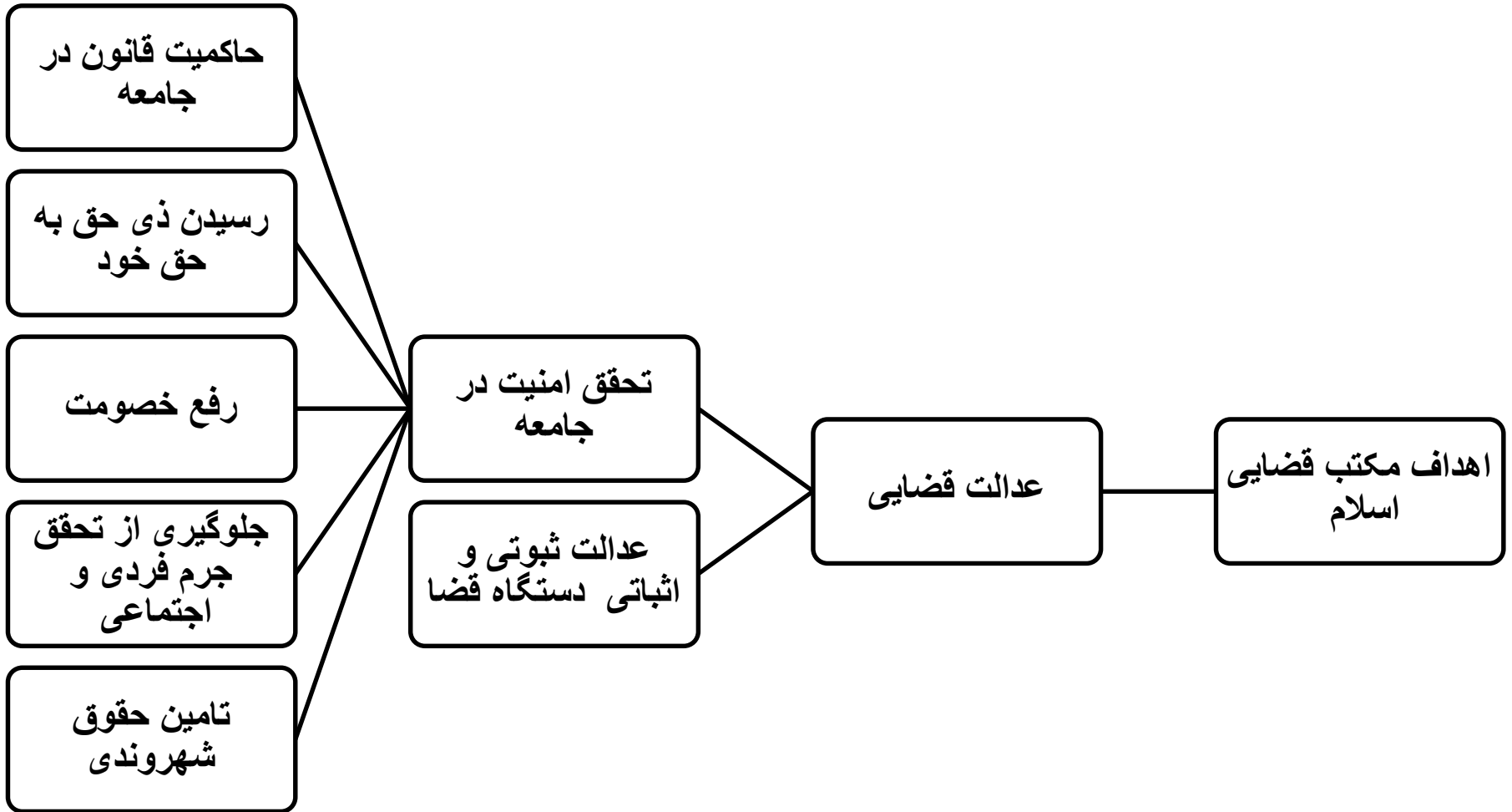
دراسات الاستاذ:

مهدي الهادي الطهراني

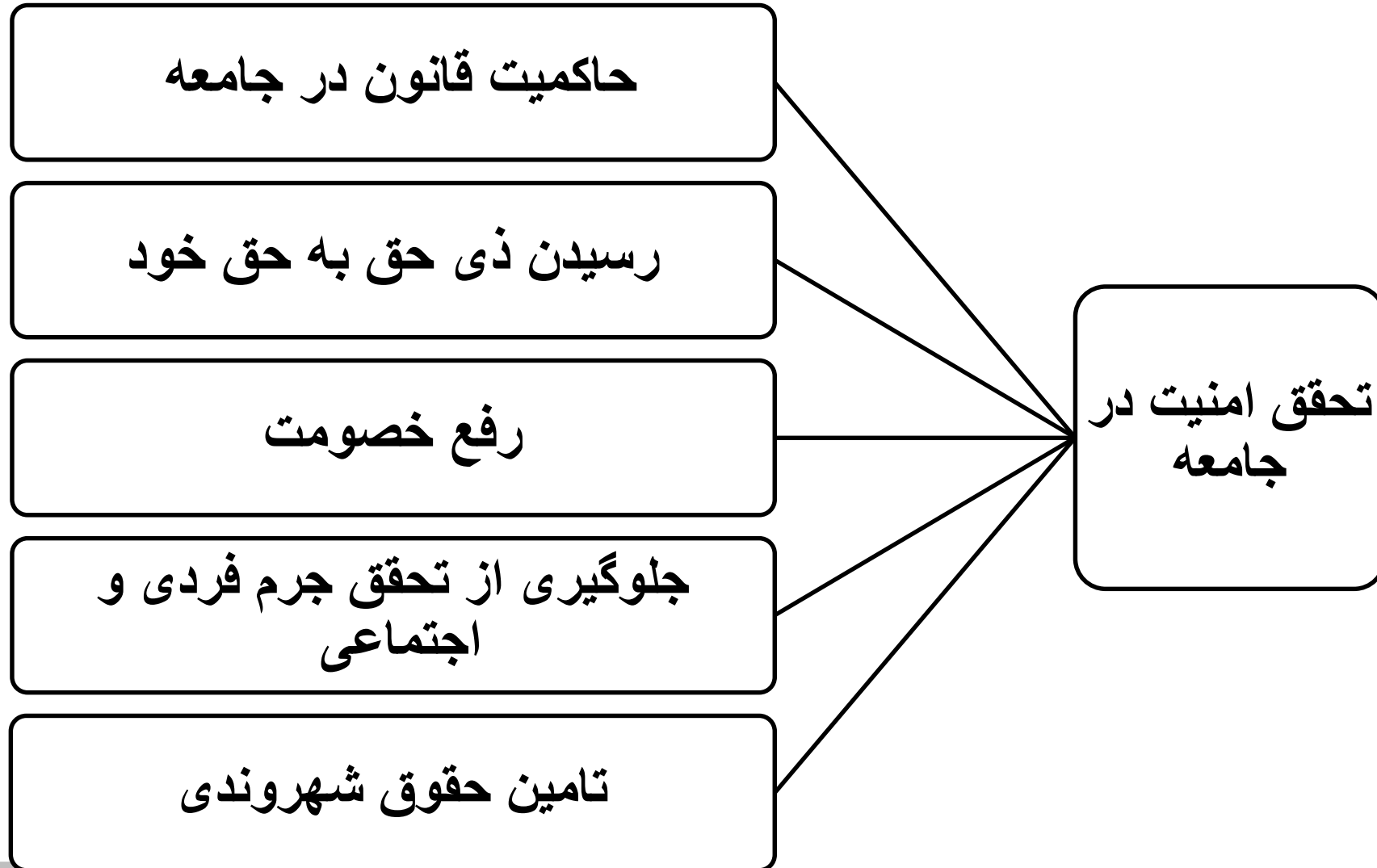
اهداف مكتب قضايي اسلام



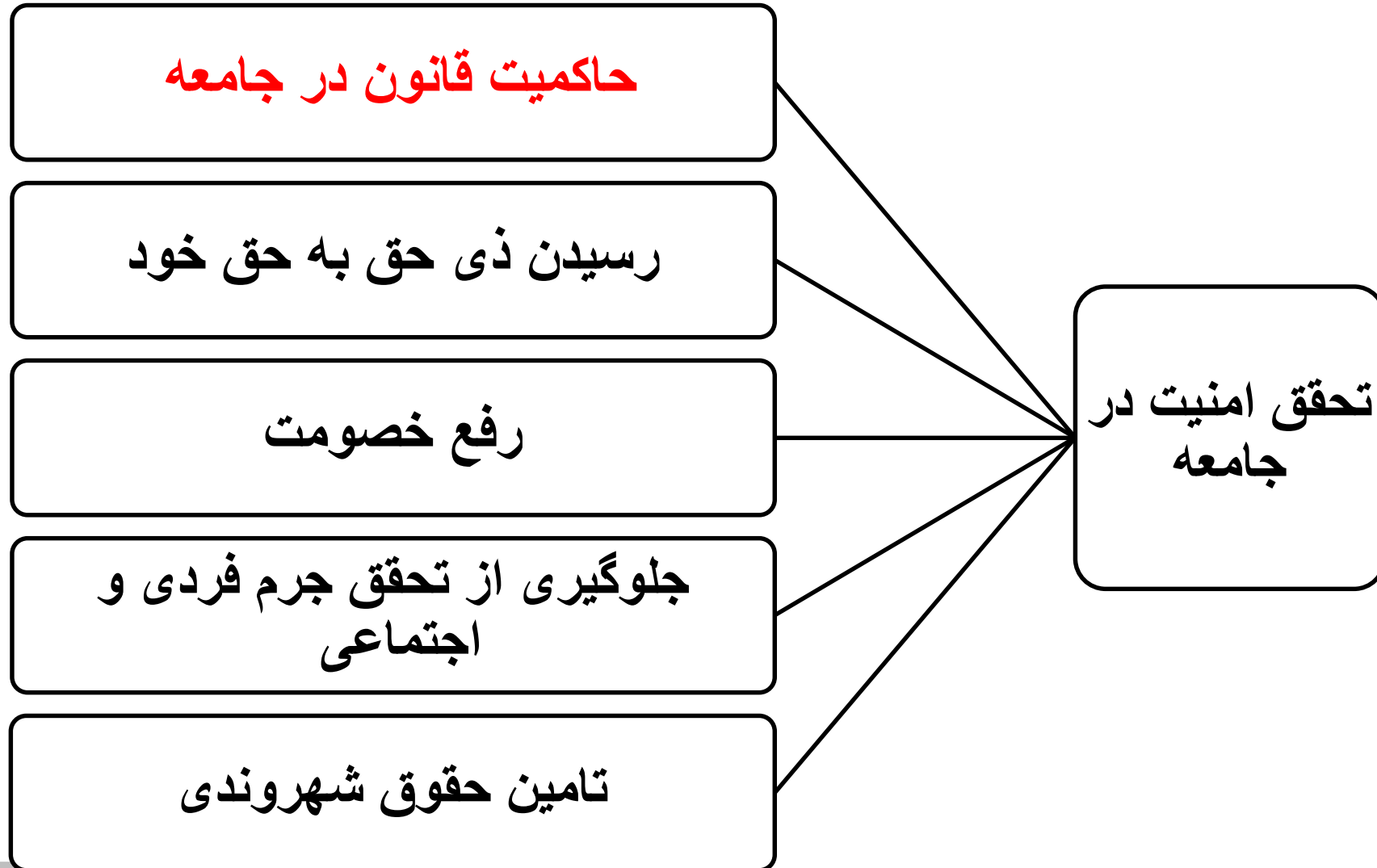
اهداف مکتب قضایی اسلام



اهداف مکتب قضایی اسلام



اهداف مکتب قضایی اسلام



**The Rule
of Law**

حاکمیت
قانون در
جامعه

Overview of Overall Scores and Rankings

The table below shows the overall scores and rankings of the *WJP Rule of Law Index 2021* in alphabetical order. Scores range from 0 to 1, with 1 indicating the strongest adherence to the rule of law.

Country/Jurisdiction	Overall Score*	Change in Overall Score*	Global Rank	Change in Global Rank†	Country/Jurisdiction	Overall Score*	Change in Overall Score*	Global Rank	Change in Global Rank†
 Afghanistan	0.35	-0.01	134	1 ▼	 Dominica	0.58	0.00	53	0
 Albania	0.49	-0.01	83	2 ▲	 Dominican Republic	0.48	0.00	94	3 ▲
 Algeria	0.49	0.00	82	8 ▲	 Ecuador	0.48	0.00	92	1 ▲
 Angola	0.43	0.00	114	4 ▲	 Egypt, Arab Rep.	0.35	-0.01	136	0
 Antigua and Barbuda	0.63	0.00	39	2 ▲	 El Salvador	0.48	-0.02	95	4 ▼
 Argentina	0.56	-0.02	56	1 ▼	 Estonia	0.81	0.00	11	1 ▲
 Australia	0.79	-0.01	13	0	 Ethiopia	0.41	0.00	122	2 ▲
 Austria	0.81	0.00	9	0	 Finland	0.88	0.00	3	0
 The Bahamas	0.61	0.00	47	1 ▲	 France	0.72	-0.01	23	0
 Bangladesh	0.40	-0.01	124	1 ▲	 The Gambia	0.49	-0.02	89	8 ▼
 Barbados	0.65	0.00	35	1 ▲	 Georgia	0.61	0.00	49	0
 Belarus	0.48	-0.04	97	21 ▼	 Germany	0.84	0.00	5	1 ▲
 Belgium	0.79	0.00	14	2 ▲	 Ghana	0.55	-0.01	58	0
 Belize	0.48	0.00	93	3 ▲	 Greece	0.61	0.00	48	1 ▼
 Benin	0.49	-0.01	91	3 ▼	 Grenada	0.59	0.00	50	1 ▲
 Bolivia	0.39	0.00	129	2 ▲	 Guatemala	0.44	-0.01	109	0
 Bosnia and Herzegovina	0.52	0.00	72	1 ▼	 Guinea	0.41	-0.01	120	1 ▲
 Botswana	0.59	-0.01	51	1 ▼	 Guyana	0.50	0.00	78	2 ▲
 Brazil	0.50	-0.01	77	3 ▼	 Haiti	0.38	-	132	-
 Bulgaria	0.54	-0.01	62	2 ▼	 Honduras	0.39	-0.01	126	0
 Burkina Faso	0.50	0.00	75	2 ▲	 Hong Kong SAR, China	0.75	-0.02	19	0
 Cambodia	0.32	-0.01	138	0	 Hungary	0.52	-0.01	69	2 ▼
 Cameroon	0.35	-0.01	135	0	 India	0.50	-0.01	79	3 ▼
 Canada	0.80	-0.01	12	1 ▼	 Indonesia	0.52	-0.01	68	2 ▼
 Chile	0.66	-0.01	32	0	 Iran, Islamic Rep.	0.42	-0.01	119	0
 China	0.47	-0.01	98	2 ▼	 Ireland	0.81	-	10	-
 Colombia	0.49	-0.01	86	2 ▼	 Italy	0.66	0.00	34	0
 Congo, Dem. Rep.	0.35	0.00	137	0	 Jamaica	0.57	0.00	55	1 ▲
 Congo, Rep.	0.42	-	118	-	 Japan	0.79	0.01	15	2 ▲
 Costa Rica	0.68	-0.01	31	0	 Jordan	0.55	-0.02	59	2 ▼
 Côte d'Ivoire	0.45	-0.02	105	2 ▼	 Kazakhstan	0.52	0.00	66	3 ▲
 Croatia	0.61	-0.01	46	0	 Kenya	0.44	0.00	106	4 ▲
 Cyprus	0.68	-	28	-	 Korea, Rep.	0.74	0.00	20	0
 Czech Republic	0.73	0.00	22	1 ▼	 Kosovo	0.55	0.00	60	1 ▲
 Denmark	0.90	0.00	1	0	 Kyrgyz Republic	0.47	-0.02	99	4 ▼
					 Latvia	0.71	-	24	-

*Scores and change in scores are rounded to two decimal places.

†The change in rankings was calculated by comparing the positions of the 128 countries and jurisdictions measured in the 2020 Index with the rankings of the same 128 countries and jurisdictions in 2021, exclusive of the 11 new additions to the 2021 Index. The 11 new countries and jurisdictions added

Overview of Overall Scores and Rankings

- Country/Jurisdiction Iran, Islamic Rep.
- Overall Score* 0.42
- Global Rank – 0.01
- Change in Overall Score* **119** *
- Change in Global Rank† 0

Defining the Rule of Law

- **Defining the Rule of Law**
- **Effective rule of law reduces corruption, combats poverty and disease, and protects people from injustices large and small.**

تعریف حاکمیت قانون

فساد را کاهش می دهد

با فقر و بیماری مبارزه می کند

مردم را از بی عدالتی های کوچک و بزرگ محافظت می کند.

حاکمیت قانون
مؤثر

تعریف حاکمیت قانون

- حاکمیت قانون مؤثر، فساد را کاهش می دهد، با فقر و بیماری مبارزه می کند و مردم را از بی عدالتی های کوچک و بزرگ محافظت می کند.

The Four Universal Principles of the Rule of Law

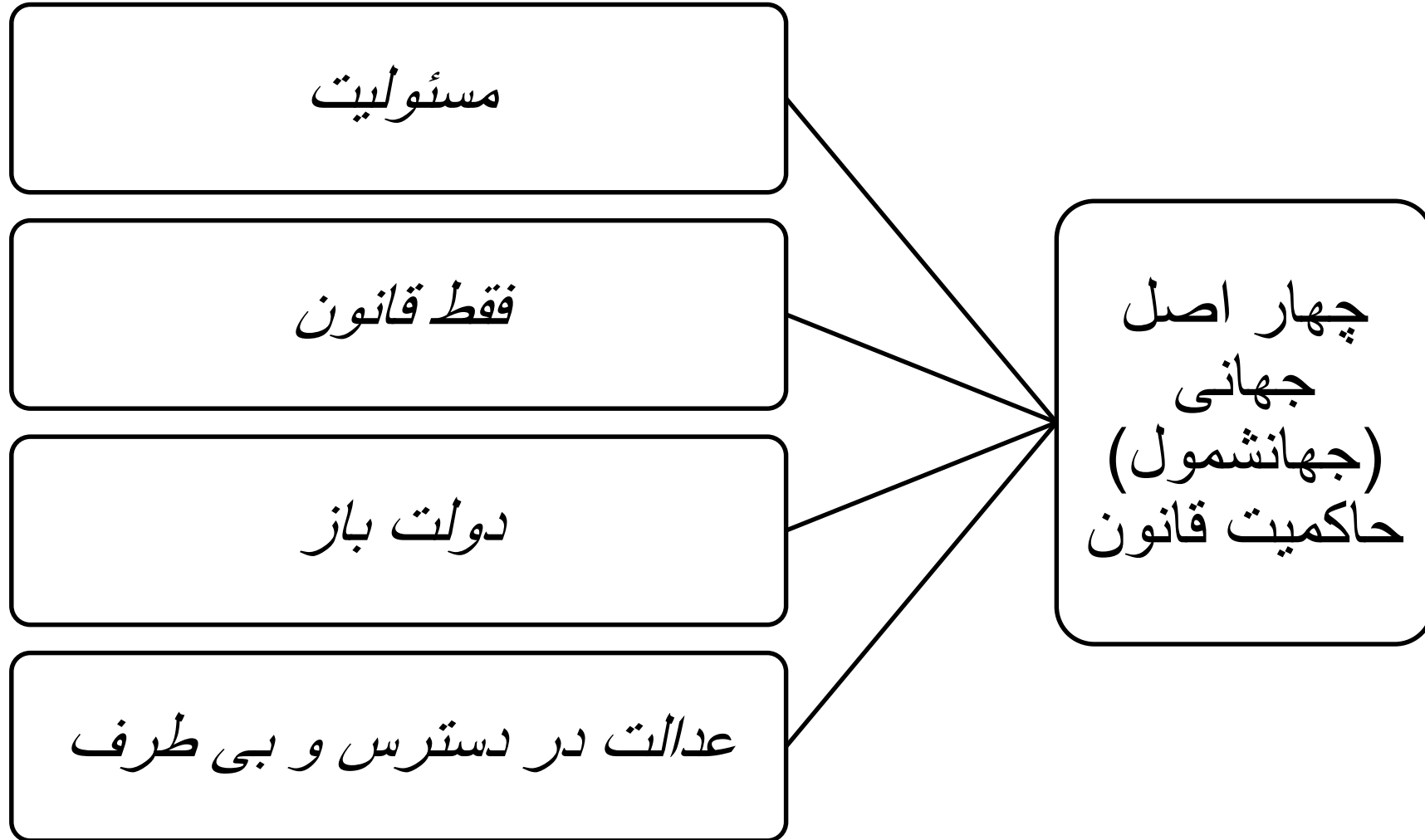
- **The Four Universal Principles of the Rule of Law**
- **The World Justice Project** defines the rule of law as a durable system of laws, institutions, norms, and community commitment that delivers:
 - **Universal Principle One**
 - *The government as well as private actors are accountable under the law.*
 - **Accountability**
 - *The law is clear, publicized, and stable and is applied evenly. It ensures human rights as well as property, contract, and procedural rights.*
 - **Universal Principle Two**
 - **Just Law**
 - *The processes by which the law is adopted, administered, adjudicated, and enforced are accessible, fair, and efficient.*
 - **Universal Principle Three**
 - **Open Government**
 - *Justice is delivered timely by competent, ethical, and independent representatives and neutrals who are accessible, have adequate resources, and reflect the makeup of the communities they serve.*
 - **Universal Principle Four**
 - **Accessible and Impartial Justice**
 - **The four universal principles are further developed in the following eight factors of the annual *WJP Rule of Law Index*.**
 - *Constraints on Government Powers, Absence of Corruption, Open Government, Fundamental Rights, Order and Security, Regulatory Enforcement, Civil Justice, and Criminal Justice.*

چهار اصل جهانی (جهانشمول) حاکمیت قانون

• چهار اصل جهانی (جهانشمول) حاکمیت
قانون

• پروژه عدالت جهانی، حاکمیت قانون را به
عنوان یک سیستم بادوام از قوانین، نهادها،
هنجارها و تعهدات جامعه تعریف می کند که:

چهار اصل جهانی (جهانشمول) حاکمیت قانون



چهار اصل جهانی حاکمیت قانون

• اصل جهانی (جهانشمول) اول

• مسئولیت

• دولت و همچنین بازیگران خصوصی بر اساس قانون پاسخگو هستند.

چهار اصل جهانی حاکمیت قانون

• اصل جهانی (جهانشمول) دوم

• فقط قانون

• قانون شفاف، عمومی و پایدار است و به طور مساوی اعمال می شود. حقوق بشر و همچنین حقوق مالکیت، قرارداد و رویه را تضمین می کند.

چهار اصل جهانی حاکمیت قانون

• اصل جهانی (جهانشمول) سوم

• دولت باز

• فرآیندهایی که توسط آن قانون تصویب،
اجرا، قضاوت و اجرا می شود، در
دسترس، منصفانه و **کارآمد** هستند.

چهار اصل جهانی حاکمیت قانون

- اصل چهارم (جهانشمول) جهانی

- عدالت در دسترس و بی طرف

- عدالت توسط نمایندگان صالح، اخلاقی و مستقل

و افراد بی طرفی که در دسترس هستند، منابع

کافی دارند و ساختار جوامعی را که به آنها

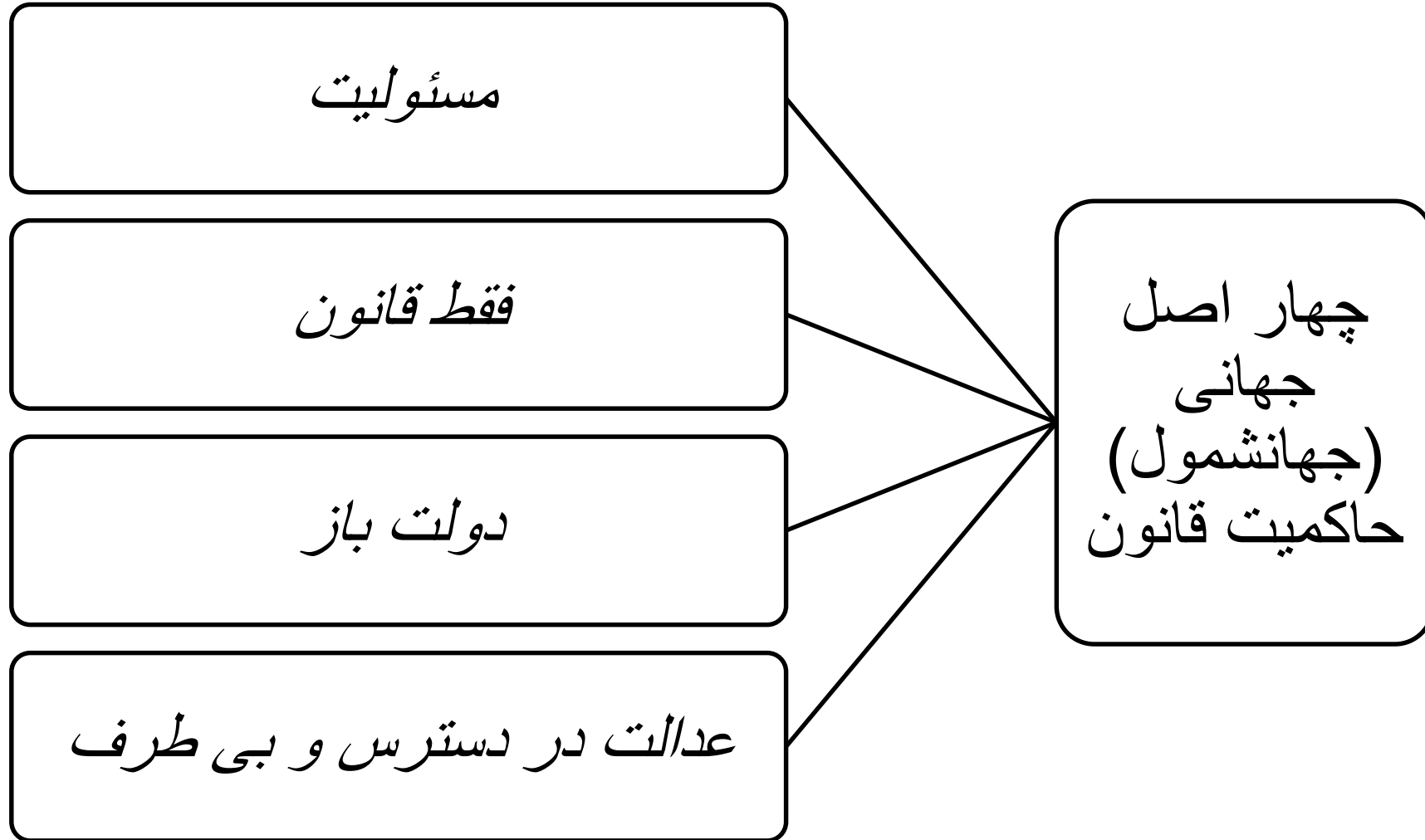
خدمت می کنند منعکس می کنند، به موقع اجرا

می شود.

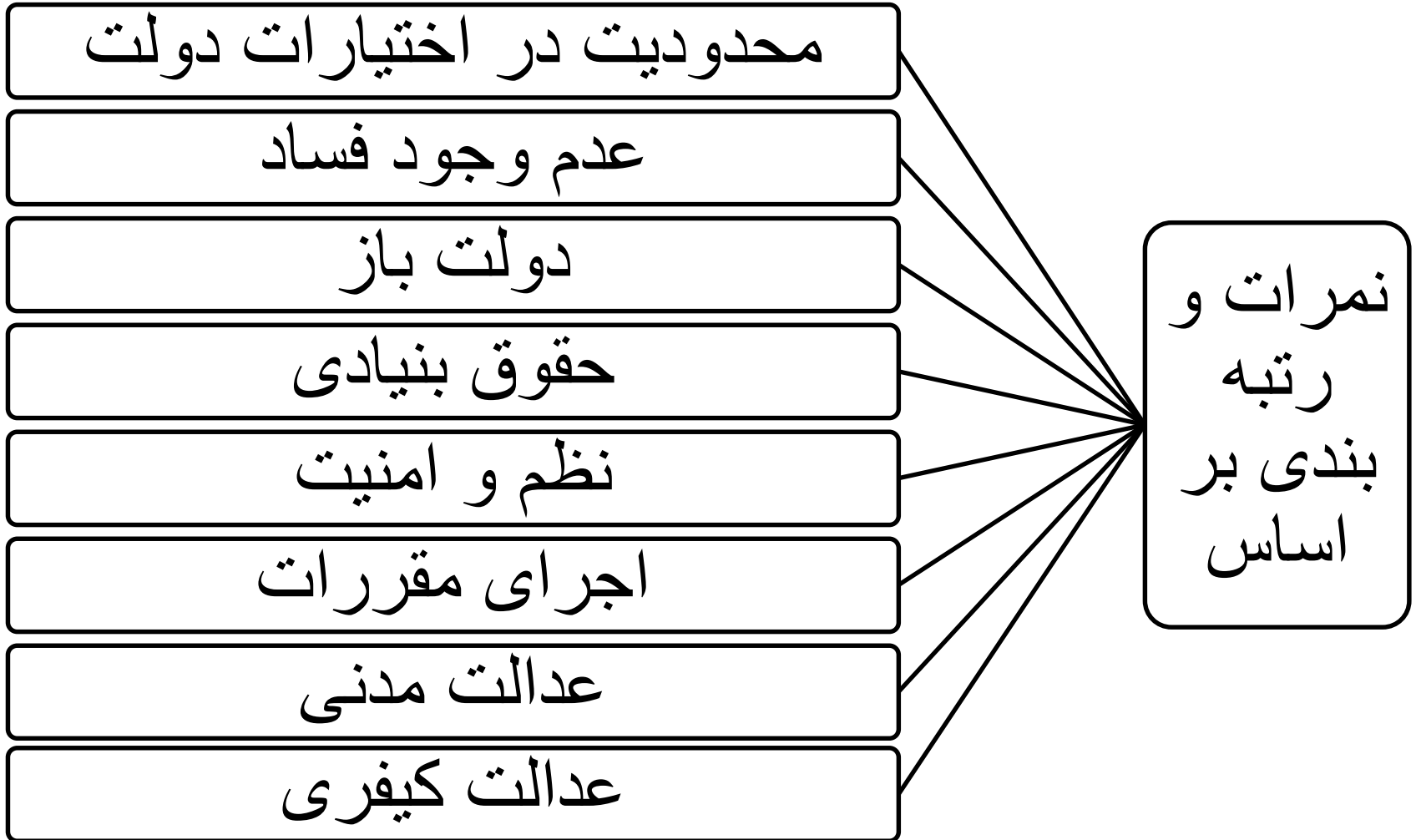
چهار اصل جهانی حاکمیت قانون

- چهار اصل جهانی بیشتر در هشت عامل زیر از فهرست سالانه حاکمیت قانون WJP توسعه می یابد:
- محدودیت در اختیارات دولت، عدم وجود فساد، دولت باز، حقوق اساسی، نظم و امنیت، اجرای مقررات، عدالت مدنی و عدالت کیفری.

چهار اصل جهانی (جهانشمول) حاکمیت قانون



فهرست حاکمیت قانون ۲۰۲۱



Conceptual Framework of the WJP Rule of Law Index

- **Conceptual Framework of the WJP Rule of Law Index**
- **The conceptual framework of the *WJP Rule of Law Index* is comprised of eight factors further disaggregated into 44 sub-factors. These factors and sub-factors are presented below and described in detail in the section that follows.**

چارچوب مفهومی شاخص حاکمیت قانون WJP

- چارچوب مفهومی شاخص حاکمیت قانون WJP
- چارچوب مفهومی شاخص حاکمیت قانون WJP از **هشت** عامل تشکیل شده است که بیشتر به **۴۴** عامل فرعی تفکیک شده است.
- این عوامل و عوامل فرعی در زیر ارائه شده و در بخش بعدی به تفصیل توضیح داده شده است.

Conceptual Framework of the WJP Rule of Law Index

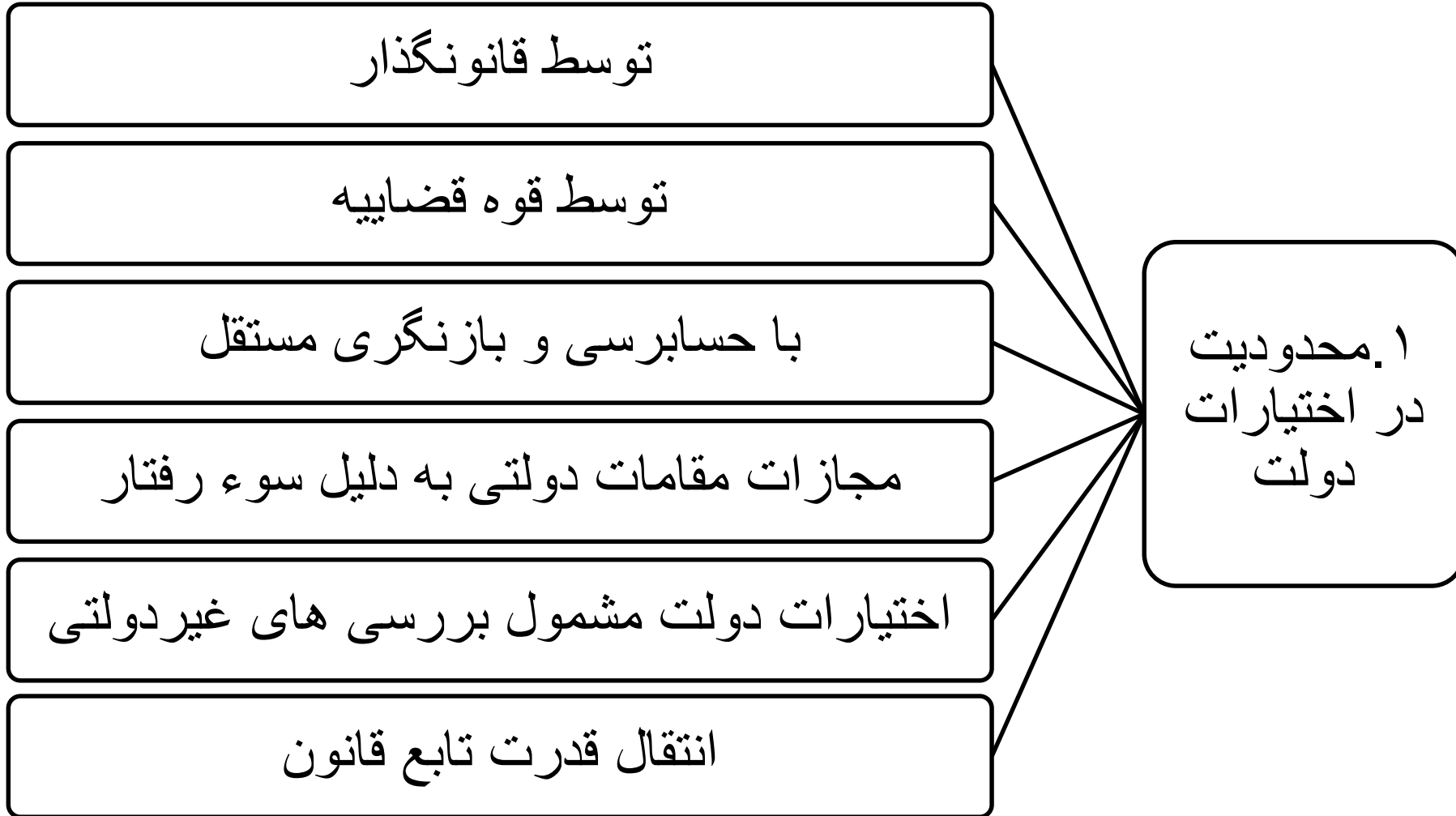
- Factor 1
- *Constraints on Government Powers*
- 1.1 Government powers are effectively limited by the legislature
- 1.2 Government powers are effectively limited by the judiciary
- 1.3 Government powers are effectively limited by independent auditing and review
- 1.4 Government officials are sanctioned for misconduct
- 1.5 Government powers are subject to non-governmental checks
- 1.6 Transition of power is subject to the law

چارچوب مفهومی شاخص حاکمیت قانون WJP

• فاکتور ۱

- محدودیت در اختیارات دولت
- ۱,۱ اختیارات دولت عملاً توسط قانونگذار محدود می شود
- ۱,۲ اختیارات دولت عملاً توسط قوه قضاییه محدود می شود
- ۱,۳ اختیارات دولت عملاً با حسابرسی و بازنگری مستقل محدود می شود
- ۱,۴ مقامات دولتی به دلیل سوء رفتار مجازات می شوند
- ۱,۵ اختیارات دولت مشمول بررسی های غیردولتی است
- ۱,۶ انتقال قدرت تابع قانون است

چارچوب مفهومی شاخص حاکمیت قانون WJP



چارچوب مفهومی شاخص حاکمیت قانون WJP

توسط قانونگذار

توسط قوه قضائیه

با حسابرسی و بازنگری مستقل

مجازات مقامات دولتی به دلیل سوء رفتار

اختیارات دولت مشمول بررسی های غیردولتی

انتقال قدرت تابع قانون

۱. محدودیت
در اختیارات
دولت

النصيحة لأئمة المسلمين

- ۱۰۳ - بَابُ مَا أَمَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالنَّصِيحَةِ
« ۱ » لِأَئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَاللُّزُومِ لْجَمَاعَتِهِمْ، وَ مِنْ هُمْ « ۲ »
- ۱۰۵۸ / ۱. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ
عِيْسَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ، عَنْ أَبَانَ بْنِ
عَثْمَانَ، عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ
السَّلَامُ: « أَنْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَطَبَ
النَّاسَ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ، فَقَالَ:

النصيحة لأئمة المسلمين

- نَضَرَ اللَّهُ «٣» عَبْدًا سَمِعَ مَقَالَتي، فَوَعَاها «٤» وَ حَفَظَهَا
 «٥»، وَ بَلَّغَهَا مَنْ لَمْ يَسْمَعْها «٦»؛ فَرُبَّ حَامِلٍ فِيقَه غَيْرِ
 فِيقِهِ، وَ رَبِّ «٧» حَامِلٍ فِيقَه إِلَيَّ «٨» مِنْ هُوَ أَفْقَهُ
 مِنْهُ، ثَلَاثٌ لَا يُغْلُ عَلَيْهِنَّ «٩» قَلْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ: إِخْلَاصُ
 الْعَمَلِ لِلَّهِ، وَ النَّصِيحَةُ لِأئمةِ الْمُسْلِمِينَ، وَ الْإِزْوَمُ
 لِجَمَاعَتِهِمْ؛ فَإِنْ دَعَوْتَهُمْ مَحِيطَةً مِنْ وَ رَأَيْتَهُمْ «١٠»،
 الْمُسْلِمُونَ «١١» إِخْوَةٌ تَتَكَافَأُ «١» دِمَاؤُهُمْ، وَ يَسْعَى
 بِذِمَّتِهِمْ «٢» أَدْنَاهُمْ. «٣»

النصيحة لائمة المسلمين

- (١). في «ف»: «من النصيحة».
- (٢). في «ف»: «ومن معهم». و في «بر»: «ومن هم منهم». و قوله: «من» استفهام خبر مقدم، و «هم» مبتدأ مؤخر، و الجملة مجرورة محلاً عطفاً على «ما».
- (٣). نَضَرَ و جَهَهُ، أَي حَسُنَ. و نَضَرَ اللّٰهُ و جَهَهُ، أَي جَعَلَهُ حَسَنًا. و كَذَا نَضَرَ اللّٰهُ و جَهَهُ، و أَنْضَرَ اللّٰهُ و جَهَهُ. و إِذَا قُلْتَ: نَضَرَ اللّٰهُ أَمْرًا، تَعْنِي نَعْمَهُ. راجع: الصحاح، ج ٢، ص ٨٣٠ (نضر).
- (٤). «فوعاها»، أَي حَفِظَهَا و فَهَمَهَا. راجع: النهاية، ج ٥، ص ٢٠٧ (وعا).
- (٥). في الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ و الْخِصَالِ و الْأُمَالِي لِلْمُفِيدِ و الْوَسَائِلِ، ج ٢٩: - / «وَحَفِظَهَا».
- (٦). في مَرَأَةَ الْعُقُولِ: «يَسْمَعُهَا» بَدُونَ لَمْ.
- (٧). في «بِح»: - / «رَبٌّ».
- (٨). قوله: «إِلَى» متعلق بمقدّر خبر «رَبٌّ حَامِلٌ».

النصيحة لائمة المسلمين

- (٩). في «بف» و شرح المازندراني: - / «عليهن».
- و قوله: «لا يغُلُّ» إما من الإغلال، و هو **الخيانة** في كلِّ شيء. أو هو يغُلُّ من الوغول بمعنى **الدخول في الشر**، أو من الغلِّ، و هو **الحقد و الشحناء**، أي لا يدخله حقد يزيله عن الحق. و «عليهن» في موضع الحال، تقديره: لا يغُلُّ كائناً عليهن قلب مؤمن. و المعنى: أن هذه الغلال الثلاث تُستصلح بها القلوب فمن تمسك بها طهر قلبه من الخيانة و الدغل و الشر. راجع: النهاية، ج ٣، ص ٣٨١ (غلل).
- (١٠). أي محيطة بهم من جوانبهم و شاملة كلهم، لا يشذ عنها أحد منهم. و في «ب، ض»: «من» بفتح الميم. و يبعده عدم كون «أحاط» متعدياً بنفسه.

النصيحة لائمة المسلمين

- (١١). في الأمالي للمفيد: «المؤمنون».
- (١). في «ج، بس»: «يتكافأ».
- (٢). في الوافي: «الذمة و الذمام بمعنى العهد و الأمان و الضمان و الحرمة و الحقّ. و سمى أهل الذمة لدخولهم في عهد المسلمين و أمانهم، و منه الحديث «يسعى بدمتهم أدناهم»: إذا أعطى أحد من الجيش العدو أماناً جاز ذلك على جميع المسلمين و ليس لهم أن يخفروه و لا أن ينقضوا عليه عهده». و نقل المجلسي عن بعض مشايخه أنه قرأ: «يسعى» على بناء المجهول. ف «أدناهم» بدل من الضمير، أو مفعول مكان الفاعل. ثم جعله ما فيه التكلف.
- (٣). الأمالي للمفيد، ص ١٨٦، المجلس ٢٣، ح ١٣، بسند آخر. و في فقه الرضا، ص ٣٦٩، من قوله: «ثلاث لا يغلّ عليهنّ» إلى قوله: «اللزوم لجماعتهم»؛ و في تحف العقول، ص ٤٢ و تفسير القمي، ج ١، ص ١٧٣، و ج ٢، ص ٤٤٦ عن النبي صلى الله عليه و آله، مع اختلاف يسير الوافي، ج ٢، ص ٩٨، ح ٥٥١؛ الوسائل، ج ٢٧، ص ٨٩، ح ٣٣٢٨٨، إلى قوله: «إلى من هو أفقه منه»؛ و ج ٢٩، ص ٧٥، ح ٣٥١٨٦.

وَهُمْ يَدُّ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ

• ورواه «٤» أيضاً عن حماد بن عثمان

«٥»، عن ابن أبي يعفور مثله، و زاد فيه:

«وَهُمْ يَدُّ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ» و ذكر في

حديثه أنه خطب في حجة الوداع بمنى

«٦» في مسجد الخيف. «٧»

وَهُمْ يَدُّ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ

- (٤). الضمير المستتر في «رواه» راجع إلى أحمد بن محمد بن أبي نصر؛ فقد روى هو عن حماد بن عثمان في عدد من الأسناد. راجع: معجم رجال الحديث، ج ٢، ص ٦٠٦ - ٦٠٧.
- (٥). هكذا في «ألف» و حاشية «بر». و في «ب، ج، ض، ف، و، بح، بر، بس، بف» و المطبوع: + / «عن أبان».
- و الصواب ما أثبتناه، فإننا لم نجد رواية حماد بن عثمان عن أبان - و هو ابن عثمان - في غير هذا المورد. يؤيد ذلك أن الخبر رواه الصدوق - مع زيادة - في الأمالي، ص ٢٨٧، المجلس ٥٦، ح ٣؛ و الخصال، ص ١٤٩، ح ١٨٢، بسنديه عن أحمد بن محمد بن أبي نصر البزنطي، عن حماد بن عثمان، عن عبد الله بن أبي يعفور. أضف إلى ذلك ما ورد في الأسناد من رواية حماد بن عثمان [عين عبد الله] بن أبي يعفور مباشرة، و أن طريق الشيخ الصدوق إلى عبد الله بن أبي يعفور ينتهي إلى حماد بن عثمان. راجع: معجم رجال الحديث، ج ٦، ص ٤٠٦؛ و ص ٤١٢؛ الفقيه، ج ٤، ص ٤٢٧.
- (٦). في «ف» -: / «بمني».
- (٧). الأمالي للصدوق، ص ٣٥٠، المجلس ٥٦، ح ٣؛ و الخصال، ص ١٤٩، باب الثلاثة، ح ١٨٢، بسندهما عن أحمد بن محمد بن أبي نصر، عن حماد بن عثمان، عن عبد الله بن أبي يعفور الوافي، ج ٢، ص ٩٨، ذيل ح ٥٥١؛ الوسائل، ج ٢٩، ص ٧٦، ذيل ح ٣٥١٨٦، إلى قوله: «مثله».

النصيحة لأئمة المسلمين

• والنصيحة لأئمة المسلمين "أى
 خلوص الاعتقاد فيهم و المودة لهم و
 متابعتهم فى جميع أقوالهم و أفعالهم،

النصيحة لأئمة المسلمين

- قال في النهاية: فيه: إن الدين النصيحة لله و لرسوله و لكتابه و لأئمة المسلمين و عامتهم، **النصيحة كلمة يعبر بها عن جملة هي إرادة الخير للمنصوح له،** و ليس يمكن أن يعبر هذا المعنى بكلمة واحدة تجمع معناها غيرها، و أصل النصح في اللغة الخلوص، يقال: نصحه و نصحت له و معنى نصيحته لله صحة الاعتقاد في وحدانيته و إخلاص النية في عبادته، و النصيحة لكتاب الله هو التصديق و العمل بما فيه، و نصيحة رسوله صلى الله عليه و آله و سلم التصديق بنبوته و رسالته و الانقياد لما أمر به و نهى عنه، و نصيحته الأئمة أن يطيعهم في الحق و لا يرى الخروج عليهم إذا جاروا و نصيحة عامة المسلمين إرشادهم إلى مصالحهم، انتهى.

النصيحة لأئمة المسلمين

- و أقول: لما كان الإمام عنده كل من اجتمع الناس عليه من خلفاء الحق و الجور فسر نصيحة الأئمة بما ترى

و اللزوم لجماعتهم

- و اللزوم لجماعتهم "الضمير إما للأئمة أى لما اجتمعوا عليه فإنه ليس بينهم اختلاف و لا تفرق، و كلهم على أمر واحد أو للقوم الذين اتفقوا عليهم و هم الشيعة الإمامية، أو الضمير راجع إلى المسلمين و يرجع إلى المعنى الثانى فإن جماعة المسلمين هم أئمة الحق و من اتفقوا عليهم فإنهم على أمر واحد ليس فيهم اختلاف الآراء و الأهواء.

• كما روى الصدوق (ره) في معاني الأخبار
 عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سئل
 رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ما
 جماعة أمتك؟ قال: من كان على الحق و
 إن كانوا عشرة،

و اللزوم لجماعتهم

• و في رواية أخرى عن أبي حميد رفعه قال: جاء رجل إلى أمير المؤمنين عليه السلام فقال: أخبرني عن السنة و البدعة، و عن الجماعة و عن الفرقة؟ فقال أمير المؤمنين عليه السلام: السنة ما سن رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم، و البدعة ما أحدث من بعده، و الجماعة أهل الحق و إن كانوا قليلا و الفرقة أهل الباطل و إن كانوا كثيرا،

• و قيل: المراد ملازمة صلاة الجماعة مع المسلمين و لا يخفى بعده.

فإن دعوتهم محيطة من ورائهم

- " فإن دعوتهم محيطة من ورائهم " الظاهر إرجاع الضميرين إلى المسلمين، و الدعوة المرة من الدعاء و إضافتها إلى الضمير إضافة إلى المفعول، أى دعاء النبي صلى الله عليه و آله و سلم لهم محيطة بهم، فإذا دخل فيهم و لزم جماعتهم شمله ذلك الدعاء، أو إلى الفاعل أى دعاء المسلمين بعضهم لبعض يشملهم،
- و يحتمل إرجاع الضمير الأول إلى الأئمة، و الثانى إلى المسلمين، أى دعاء الأئمة عليهم السلام بشيعتهم يشملهم.

و اللزوم لجماعتهم

• مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج ٤، ص: ٣٢٦

• و قال في النهاية: فإن دعوتهم تحيط من ورائهم أى تحوطهم و تكفهم و تحفظهم و الدعوة المرة الواحدة من الدعاء.

• "المسلمون إخوة" أى من جهة الإسلام و الإيمان لا يعتبر في الأحكام الظاهرة الجارية عليهم سوى ذلك، فلذلك "تتكافأ" بالهمز و قد تخفف أى تساوى "دماؤهم" فإذا قتل شريف و ضيعا أو جرحه يقتص منه، و فى النهاية: فيه: المسلمون تتكافأ دماؤهم أى تتساوى فى القصاص و الديات، و الكفو النظير و المساوى "يسعى بذمتهم أدناهم" على بناء المعلوم أى يسعى ادنى المسلمين فى عقد الأمان من قبلهم و إمضائه عليهم، و كان يقرأ بعض مشايخنا: يسعى على بناء المجهول، بأن يكون أدناهم بدلا من الضمير، أى يجب أن يسعى فى إمضاء ذمة أدنى المسلمين، أو يكون أدناهم مفعولا مكان الفاعل أى يسعى الأدنى بسبب ذمة المسلمين الصادرة عن هذا الأدنى و لا يخفى ما فيهما من التكلف و الأصوب ما ذكرنا أولا.

و اللزوم لجماعتهم

- قال في النهاية: قد تكرر في الحديث ذكر الذمة و الذمام، و هما بمعنى العهد و الأمان و الضمان و الحرمة و الحق، و سمي أهل الذمة لدخولهم في عهد المسلمين و أمانهم، و منه الحديث يسعى بذمتهم أدناهم، أي إذا أعطى أحد الجيش لعدو أمانا جاز ذلك على جميع المسلمين، و ليس لهم أن يخفروا و لا أن ينقضوا عليه عهده، انتهى.
- و سيأتي في كتاب الجهاد قال: قلت له عليه السلام: ما معنى قول النبي صلى الله عليه و آله و سلم: يسعى بذمتهم أدناهم، قال: لو أن جيشا من المسلمين حاصروا قوما من المشركين فأشرف رجل فقال: أعطوني الأمان حتى ألقى صاحبكم و أناظره، فأعطاه أدناهم الأمان و جب
- مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج ٤، ص: ٣٢٧

على أفضلهم الوفاء به، و قال في النهاية: هم يد على من سواهم، أي هم مجتمعون على أعدائهم لا يسعهم التخاذل، بل يعاون بعضهم بعضا على جميع الأديان و الملل، كأنه جعل أيديهم يدا واحدا، و فعلهم فعلا واحدا.

النصيحة لأئمة المسلمين

• قوله: و النصيحة لأئمة المسلمين)

- (١) النصيحة إرادة الخير للمنصوح و المراد بها هنا طاعة الأئمة و اعانتهم على الحق و تأليف القلوب الى انقيادهم و الصلاة خلفهم و الجهاد معهم و بالجملة إرادة كل ما هو خير في الدنيا و الآخرة لهم و ترك الغش عليهم و يمكن تعميم الأئمة بحيث يتناول العلماء أيضا، و من النصح لهم قبول رواياتهم و الرجوع إليهم في الأحكام و حسن الظن بهم و الذب عنهم و عن أعراضهم و توقييرهم و جلب المنافع المشروعة إليهم و سد خلتهم و ترك حسدهم و غشهم و دفع الضرر عنهم.

اللزوم لجماعتهم

- قوله: و اللزوم لجماعتهم) أى الحضور فيها و الدوام عليها و الاهتمام بها على قدر الامكان و انما خص الثلاثة المذكورة بالذكر لانها اصول لجميع الخيرات و فروع للايمان الحقيقى بالله و برسوله و باليوم الاخر.

فان دعوتهم محيطه من ورائهم

- قوله: فان دعوتهم محيطه من ورائهم) تعليل للزوم الجماعة و ترغيب في حضورها و الدعوة أخص من الدعاء لانها للمرء الواحدة و المراد أن دعوتهم تحيط بهم اي تحدد بهم من جميع جوانبهم و تحفظهم من جميع جهاتهم يقال حاطه يحوطه حوطا و حياطة اذا حفظه و ذب عنه و أحاط به اذا أحدقه من جميع جوانبه و منه قولك أحطت به علما أي أحدد علمي به من جميع جهاته و عرفه من كل وجه.

المسلمون اخوة تتكافى دماؤهم

- قوله: المسلمون اخوة تتكافى دماؤهم) أى يتساوى فى القصاص و الجنایات و الدیات لا تفاوت بين الشریف و الوضيع، و الكفوؤ النظير و المساوى.

النصيحة لائمة المسلمين

- وَ فِي الْحَدِيثِ: " ثَلَاثَ لَا يَغْلُ عَلَيْهَا قَلْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ "
- وَ عَدَّ مِنْهَا النَّصِيحَةَ لِأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ، قِيلَ هِيَ شِدَّةُ الْمَحَبَّةِ لَهُمْ وَ عَدَمُ الشُّكِّ فِيهِمْ وَ شِدَّةُ مَتَابَعَتِهِمْ فِي قَبُولِ قَوْلِهِمْ وَ فَعْلِهِمْ وَ بِذَلِكَ جَهْدُهُمْ وَ مَجْهُودُهُمْ فِي ذَلِكَ.

النصيحة لائمة المسلمين

- و "النصيحة" لفظ حامل لمعان شتى: فالنصيحة لله الاعتقاد في وحدانيته و إخلاص النية في عبادته و نصره الحق فيه، و النصيحة لكتاب الله هو التصديق به و العمل بما فيه و الذب عنه دون تأويل الجاهلين و تحريف الغالين و انتحال المبطلين، و النصيحة لرسول الله التصديق بنبوته و رسالته و الاتقياد لما أمر به و نهى عنه. و النصيحة لا تكون قبيحة و لكن ربما يستقبحها السامع لصعوبتها و كم سقت في آثاركم من نصيحة. و قد يستفيد الظنة المتنصح: أي المبالغ في النصيحة.

النصيحة لائمة المسلمين

- نصح
- النون و الصاد و الحاء أصل يدلُّ على ملاءمة بين شيئين و إصلاح لهما.
- أصل ذلك النَّاصِح: الخَيَّاط. و النَّصَّاح: الخَيْطُ يُخَاطُ بِهِ، و الجمع نصاحات، و بها شَبَّهت الجلود التي تُمدُّ في الدَّبَّاعِ عَلَى الأَرْضِ. قال:
- فَتَرَى القَوْمَ نَشَاوَى كُلُّهُمُ مِثْلَمَا مُدَّتْ نِصَاحَاتُ الرِّيحِ «١»

النصيحة لائمة المسلمين

- و منه النصح و النصيحة: خلاف الغش. و نصحته أنصحته. و هو ناصح الجيب لمثل، إذا وصف بخلوص العمل
- و التوبة النصوح منه، كأنها صحيحة ليس فيها خرق و لا ثلمة. و يقال: أنصحت الإبل، إذا أرويتها فنصحت، أى رويت.

النصيحة لائمة المسلمين

- و هو من القياس الذي ذكرناه. و ناصح العسل: ما ذيه، كأنه الخالص الذي لا يتخلله ما يشوبه. و نصحت له و نصحته بمعنى. و قميص منصوح: مَخِيط.

النصيحة لأئمة المسلمين

- ١٠- قال صلى الله عليه وآله في خطبة حجة مسجد الخيف بمنى: ثلاث لا يغفل عليهن قلب امرء مسلم: إخلاص العمل لله والنصيحة لأئمة المسلمين و اللزوم لجماعتهم «٣» الى غير ذلك من الأخبار الدالة على وجوب النصيحة لكل مسلم، و وجوب الاهتمام بأمور المسلمين،

النصيحة لائمة المسلمين

- مرحله سوم. خیرخواهی و دلسوزی
- که در متون اسلامی از آن به «نصح» تعبیر شده است بنا بر اصل: الا کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة «۵». مردم خود را در مسئولیت دیگران سهیم می‌بینند و سرنوشت همه را از خود و سرنوشت خود را مربوط به دیگران تلقی می‌کنند.
- (۵) مجموعه ورام، ص ۶.

النصيحة لائمة المسلمين

• و این پیوند عواطف جامعه را یکجا به هم گره می زند و مانند سرنشین اتومبیلی است که در کنار راننده آن از سرعت زیاد اتومبیل می هراسد و با دلسوزی و خیر خواهی راننده را به مراعات مقررات رانندگی هشدار می دهد زیرا که سرنوشت خود را گره خورده به سرنوشت راننده می بیند.

النصيحة لأئمة المسلمين

- کلینی در اصول کافی فصلی را بعنوان «النصيحة لأئمة المسلمين» اختصاص داده که حدیث ذیل را از پیامبر اکرم در آن فصل نقل می‌کند:
- ثلاثه لا یغل علیهن قلب امرئ مسلم اخلاص العمل لله و النصيحة لأئمة المسلمين و اللزوم لجماعتهم «۱».
- امام صادق علیه السلام آنگاه که مسئولیتها و وظائف اعضای بدن را در برابر خدا می‌شمارد می‌فرماید: و زكاة اللسان النصح للمسلمين و التيقظ للغافلين «۲».

النصيحة لائمة المسلمين

- در این مرحله انتقاد سالم و سازنده که از عواطف و تعهد به مسئولیت و سرنوشت مشترک ناشی می‌شود از تمامی ابعاد و زوایای جامعه مانند بزاق در دهان و انسولین در لوزالمعده که در مراحل هضم غذا و سوخت و سوز بدن نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند تراوش می‌کند و همه ناخالصیها را پاک و موانع را بر طرف می‌سازد و زنگارها را می‌زداید.

النصيحة لائمة المسلمين

• نظارت همگانی

یکی از اساسی ترین پایه های استواری هر نظام سیاسی، به خصوص حکومت اسلامی، مشارکت مردم در سرنوشت خویش و توجه به علایق و خواست آنان در اداره جامعه است.

النصيحة لائمة المسلمين

- مردم در نظام اجتماعی خویش باید به این باور برسند که حکومت از آنان و نظریاتشان در تعیین سرنوشت جامعه مؤثر است. در این صورت با تمام توان از حکومت خویش دفاع خواهند کرد.

النصيحة لائمة المسلمين

- اساسا در نظام اسلامي، مردم حاکم بر سرنوشت خود و صاحب حق هستند و بايد با نظارت دقيق بر ارکان حکومت، به نحو احسن حقوق خود را استيفا نمايند و نگذارند کسانی در حکومت قدرتی را که به ودیعه از مردم دریافت نموده اند، به تباهی کشانده و یا آن حق الهی را از آنان سلب یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهند.

النصيحة لائمة المسلمين

- عامه مردم از آنجایی که از تعلقات گروهی و زد و بندهای سیاسی بدورند، در عرصه نظارت بر قدرت، آزادتر و از تأثیرگذاری بیشتری برخوردارند؛ بر خلاف احزاب و گروهها که گاهی در بند منافع گروهی خود گرفتار آمده و در برابر قدرت مماشات می کنند.

النصيحة لائمة المسلمين

- از این رو قانون اساسی با تکیه بر آموزه های مترقی دین اسلام، راهکارهای مناسبی را برای نظارت عمومی مردم فراهم آورده است:

النصيحة لأئمة المسلمين

- (الف) نصيحت، امر به معروف و نهی از منکر
«النصيحة لأئمة المسلمين» تعبیری آشنا و پرسابقه در
فرهنگ سیاسی اسلام است که ریشه در قرآن و
روایات دارد (۴۴)

النصيحة لائمة المسلمين

- و براساس آن، همه مردم حق دارند زمامداران را نصیحت و آرا و نظریات خیرخواهانه خود را برای اطلاع رسانی و راهنمایی کارگزاران حکومت از اوضاع و احوال جامعه یا برای اصلاح و کنترل رفتار آنان مطرح سازند.

النصيحة لائمة المسلمين

- **خير خواهی** مردم نسبت به حکومت و حاکمان در منطق اسلام آنچنان با اهمیت است که حضرت امیر علیه السلام آن را حق حاکم دانسته اند تا وظیفه ای باشد برای مردم که قابلیت اسقاط نداشته باشد:

النصيحة لائمة المسلمين

- «وَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ؛ فَأَلْوَفَاءَ بِالْبَيْعَةِ، وَ النَّصِيحَةَ فِي الْمَشْهَدِ وَ الْمَغِيبِ وَ الْإِجَابَةَ حِينَ أَدْعُوكُمْ، وَ الطَّاعَةَ حِينَ أَمْرُكُمْ». «و اما حق من بر شما اين است كه: به بيعت وفادار باشيد و در نهان و آشكار، حق خير خواهی ادا كنيد، چون شما را بخوانم، اجابت نماييد و چون فرمان دهم پذيريد.» (۴۵)

النصيحة لائمة المسلمين

- حضرت با اینکه خود، معصوم از هر خطا و اشتباه است، از مردم دعوت می کند نسبت به او از سخن حق دریغ نورزند: «از گفتن سخن حق یا مشورت عادلانه خودداری مکنید؛ زیرا من شخصا به عنوان یک انسان خود را فراتر از این که اشتباه کنم نمی دانم و از آن در کارهایم ایمن نیستم، مگر اینکه خداوند مرا حفظ کند، چرا که مالکیت خداوند بر جان من، از خودم بیشتر است.»

النصيحة لائمة المسلمين

- امر به معروف و نهی از منکر، نیز یکی از فروع دین و یک وظیفه همگانی در جهت رواج خوبی‌ها و جلوگیری از گسترش زشتی‌ها در جامعه است که جایگاه و اهمیت آن در اسلام بر کسی پوشیده نیست.

النصيحة لائمة المسلمين

- «و ما أعمال البر كُلُّها و الجهاد في سبيل الله عند الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر الا كنفته في بحر لَجِي». «تمام اعمال نيك و جهاد در راه خدا در نزد امر به معروف و نهی از منکر مانند آب دهانی است در دریای پهناور.» (۴۶)

النصيحة لائمة المسلمين

- همواره بر امت اسلامی واجب است با تمام توان، مراقب جامعه بوده و نسبت به آنچه در آن می گذرد آگاهی داشته باشند و بر گسترش معروف، رشد و شکوفایی نیکی ها و ریشه کن شدن فساد و پلیدی ها، اهتمام ورزند.

النصيحة لائمة المسلمين

- حاکمان جامعه اسلامي نیز مشمول اين وظيفه عمومي هستند و جاينگاه ايشان در جامعه موجب نمي شود که مردم عادي نتوانند به آنان امر و نهي کنند.

النصيحة لائمة المسلمين

• حضرت امام خمینی قدس سره به عنوان حاکم اسلامی می گویند:

«اگر من هم پایم را کج گذاشتم شما مسؤولید اگر نگوید چرا پایت را کج گذاشتی، باید هجوم کنید، نهی کنید که چرا؟!... امت باید نهی از منکر کند، امر به معروف کند.» (۴۷)

النصيحة لائمة المسلمين

- معمولاً حکومت به تدریج از مسیر اصلی خود منحرف می شود. اگر وظیفه امر به معروف و نهی از منکر به خوبی در جامعه اجرا شود و از ابتدا منکرات به حاکمان گوش زد و راه صحیح نمایانده شود، طبعاً از انباشت منکرات و گناهان جلوگیری می شود و دوام حکومت را در پی دارد.

النصيحة لائمة المسلمين

- اما اگر به این امر اعتنای کافی نشود، کارگزاران حکومت به تدریج در گناهان و بدی ها غرق و با سوء استفاده از قدرت در پی شهوترانی خود برخواهند آمد و جامعه را به تباهی خواهند کشاند و آن وقت است که دیگر فریادرسی نخواهد بود:
- «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که اشرار بر شما تسلط می یابند بعد هر چه فریاد کنید کسی پاسخ شما را نمی دهد.» (۴۸)

النصيحة لائمة المسلمين

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با عنایت به همه فوایدی که نصیحت، خیرخواهی و امر به معروف و نهی از منکر در کنترل حکومت و قدرتمندان دارد در اصل هشتم مقرر داشت:

النصيحة لائمة المسلمين

- «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت...»

النصيحة لائمة المسلمين

- پی نوشت ها

۴۴. ر.ک. به: اعراف (۷)، آیه ۶۲ و ۶۸؛ الوافی، ج ۲، ص ۹۹؛
بحار الأنوار، ج ۲۷، کتاب الامامه، باب ۳
۴۵. نهج البلاغه، خطبه ۳۴
۴۶. نهج البلاغه، حکمت ۳۶۶
۴۷. صحیفه نور، ج ۸، ص ۴۷
۴۸. نهج البلاغه، نامه ۴۷

كلّكم راع و كلّكم مسؤل عن رعيته

- أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَلَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ! فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ: فَالنَّصِيحَةُ لَكُمْ، وَتَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيَّ، وَتَعْلِيمُكُمْ كَيْ لَا تَجْهَلُوا وَتَأْدِيبُكُمْ كَيْ مَا تَعْلَمُوا.
- وَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ: فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ، وَالنَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ، وَالْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ وَالطَّاعَةَ حِينَ أَمُرُكُمْ.

كَلِّمَ رَاعٍ وَ كَلِّمَ مَسْئُولٍ عَنِ رَعِيَّتِهِ

• وَ قَالَ عِ الْا كَلِّمَ رَاعٍ وَ كَلِّمَ مَسْئُولٍ عَنِ رَعِيَّتِهِ فَالْمِيرِ عَلِيٍّ النَّاسِ رَاعٍ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنِ رَعِيَّتِهِ وَ الرَّجُلِ رَاعٍ عَلِيٍّ اَهْلَ بَيْتِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ فَالْمِرَاةُ رَاعِيَةٌ عَلِيٍّ اَهْلَ بَيْتِ بَعْلِهَا وَ وَلَدُهُ وَ هِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ وَ الْعَبْدُ رَاعٍ عَلِيٍّ مَالِ سَيِّدِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ اَلَا فَكَلِّمَ رَاعٍ وَ كَلِّمَ مَسْئُولٍ عَنِ رَعِيَّتِهِ

كَلِّمَ رَاعٍ وَ كَلِّمَ مَسْئُولٍ عَنْ رَعِيَّتِهِ

• وَ كَلِّمَ مَسْئُولٍ عَنِ رَعِيَّتِهِ وَ الْأَمِيرُ الَّذِي عَلَيَّ
النَّاسِ رَاعٍ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنِ رَعِيَّتِهِ وَ الرَّجُلُ
رَاعٍ عَلَيَّ أَهْلَ بَيْتِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ وَ الْمَرَأَةُ
رَاعِيَةٌ عَلَيَّ أَهْلَ بَيْتِ بَعْلِهَا وَ وَلَدُهُ وَ هِيَ
مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ وَ الْعَبْدُ رَاعٍ عَلَيَّ مَالِ سَيِّدِهِ وَ هُوَ
مَسْئُولٌ عَنْهُ إِلَّا فَكَلِّمَ رَاعٍ وَ كَلِّمَ مَسْئُولٍ عَنِ
رَعِيَّتِهِ

كلکم راع و كلکم مسئول عن رعیتہ

- الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر
- ۹۱. كل مسلم رأى اخاه المسلم يترك واجبا أو يفعل حراما فان كان جاهلا و جب ان يعلمه و ان كان عاصيا و جب ان يردعه، فان لم يرتدع و امن الضرر و احتمل التأثير جاز، أو و جب ان يضربه و الا قاطعه، و اقل مراتبه الاعراض عنه بالوجه و الإنكار بالقلب،

کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتہ

- و فريضة الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر من أهم فرائض الإسلام و لو ان المسلمين التزموها و اوقف كل إنسان عند حده لما تمزق شمل الإسلام و سقط هذا السقوط و قد جعل الشارع الحكيم كل مسلم رقيباً على الآخر و حاكماً عليه (كلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتہ) و لما اهملت هذه الفريضة ضاعت المقاييس و سقطت الموازين و تحطمت دعائم الدين.
- نجفی، کاشف الغطاء، محمد حسين بن علي بن محمد رضا، سؤال و جواب (لکاشف الغطاء)، در یک جلد، مؤسسه کاشف الغطاء، هـ ق

كلّكم راع و كلّكم مسؤل عن رعيته

- (الثاني): يجب إبلاغ الأحكام إلى الأنام سألوا عنها أم لا، لآية النفر و غيرها «١» و هذا الوجوب كفائي و قد يصير عينيا لجهات أخرى، و لا فرق بين كون المبلغ مجتهدا أو مقلّدا أو محتاطا بعد أن عرف الحكم بوجه معتبر شرعا. و قد روى الفريقان عن النبي صلي الله عليه و آله أنه قال: «كلّكم راع و كلّكم مسؤل عن رعيته» «٢». بلا فرق بين أن يكون ذلك بالمباشرة أو بالتسبيب، بأي سبب حصل.

كلکم راع و كلکم مسؤل عن رعیتہ

- الثالث - فی مراتب الولاية:
- لا يخفى ان الولاية التشريعية بمعنى حق التصرف و الأمر حقيقة ذات مراتب:
- فمرتبتها الكاملة ثابتة لله - تعالى -.
- و مرتبة منها ثابتة لبعض الأنبياء و للنبي الأكرم «ص» و الأئمة - عليهم السلام - و في عصر الغيبة للفقهاء العادل العالم بالحوادث و بمسائل زمانه البصير بها القوى على حلها على ما يأتي من إثباتها. و يعبر عن واجد هذه المرتبة بالامام و الوالي و الأمير و السلطان و نحو ذلك.

كلکم راع و كلکم مسؤل عن رعیتہ

- و مرتبہ منها أيضا ثابتہ للأب و الجد بالنسبۃ الى الصغير و المجنون و بنت الباكر، و لعدول المؤمنین أيضا فی بعض الموارد.
- و لعله يوجد مرتبہ منها للوالدين مطلقا بنحو تحسن عقلا و شرعا بل تلزم اطاعتهما و عدم التخلف عن أوامرهما ما لم تزاحم أمرا أهم، لكونهما من أولياء النعم.

كلّكم راع و كلّكم مسؤل عن رعيتيه

- و مرتبة منها ثابتة لكل مؤمن و مؤمنة، كما قال الله - عز و جل - : «و الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِآخِرَتِهِمْ مِنْ بَعْضٍ، يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ. «١» اذ ظاهر الآية ان كل واحد من المؤمنين و المؤمنات جعل له من قبل الله - تعالى - مرتبة من الولاية بالنسبة الى كل احد، بحيث يحق له اجمالاً أمره و نهيّه، غاية الأمر ضيق نطاق ولايته. و في الحديث عن رسول الله «ص»: «كلكم راع و كلكم مسؤل عن رعيتيه.» «٢»

- (٢) - صحيح البخارى ١ / ١٦٠، كتاب الجمعة باب الجمعة فى القرى و المدن.

كلکم راع و كلکم مسئول عن رعیتہ

- الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر
- ۹۱. كل مسلم رأى اخاه المسلم يترك واجبا أو يفعل حراما فان كان جاهلا و جب ان يعلمه و ان كان عاصيا و جب ان يردعه، فان لم يرتدع و امن الضرر و احتمال التأثير جاز، أو و جب ان يضربه و الا قاطعه، و اقل مراتبه الاعراض عنه بالوجه و الإنكار بالقلب،

کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتہ

• و فريضة الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر من أهم فرائض الإسلام و لو ان المسلمين التزموها و اوقف كل إنسان عند حده لما تمزق شمل الإسلام و سقط هذا السقوط و قد جعل الشارع الحكيم كل مسلم رقيباً على الآخر و حاكماً عليه (كلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتہ) و لما اهملت هذه الفريضة ضاعت المقاييس و سقطت الموازين و تحطمت دعائم الدين.

• نجفی، کاشف الغطاء، محمد حسین بن علی بن محمد رضا، سؤال و جواب (لکاشف الغطاء)، در یک جلد، مؤسسه کاشف الغطاء، هق

الامر بالمعروف و النهي عن المنكر

وَأَنْتُمْ مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى
 الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ
 يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ
 الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٤﴾

الامر بالمعروف و النهي عن المنكر

يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ
 يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ
 الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ
 وَ أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١١٤﴾

الامر بالمعروف و النهي عن المنكر

و الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ
بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ
الْمُنْكَرِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ
الزَّكَاةَ وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ
سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٧١﴾

الامر بالمعروف و النهي عن المنكر

الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ
بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَ يَنْهَوْنَ
عَنِ الْمَعْرُوفِ وَ يَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ
نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمْ
الْفَاسِقُونَ ﴿٦٧﴾